

تبیین نقش واسطه‌ای عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی بر رابطه بین شکاف مالیاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام

سید شجاع الدین میراحمدی

گروه حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
Mirahmadi.acc@gmail.com

مجتبی ملکی چوبری

گروه حسابداری، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران (نویسنده مسئول)
malekichubari@liau.ac.ir

سینا خریدار

گروه حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
Kheradyar@iaurasht.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸

چکیده

توجه به نقش مالیات در اقتصاد و وجود شکاف مالیاتی که برگرفته از عدم رعایت اخلاق حرفه می‌باشد به عنوان یک ضد ارزش می‌تواند تهدیدی جدی برای فرهنگ مالیاتی و کاهش تمایل شرکت‌ها جهت افزایش حقوق صاحبان سهام بدلیل افزایش هزینه‌های آن و در نهایت تشدید روند نزولی سرمایه‌گذاری در کشور می‌شود. در این پژوهش به تبیین نقش عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی بر شکاف مالیاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام در ۱۴۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که با روش حذف نظام‌مند به عنوان شرکت‌های نمونه آماری پژوهش در دوره زمانی هفت ساله از ابتدای سال ۱۳۹۲ تا پایان سال ۱۳۹۸ انتخاب گردیده، پرداخته شده‌است. در این پژوهش جهت غربالگری مولفه‌های مدل شکاف مالیاتی ناشی از تعارضات مالیاتی از پرسشنامه محقق ساخته دارای سؤالات باز پاسخ استفاده شده است. در این پرسش نامه، خبرگان به تعداد ۲۲ خبره از ممیزان و مسئولان رده بالا در امور مالیاتی به میزان اهمیت هر یک از مولفه‌های شناسایی شده، بر اساس طیف ۵ گزینه ای لیکرت پاسخ دادند و برای غربالگری به روش دلفی فازی استفاده شده است. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم افزار ایویوز و بطور خاص جهت آزمون فرضیه از روش رگرسیون باریون و کنی (۱۹۸۶) استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی بر رابطه بین شکاف مالیاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام نقش واسطه‌ای دارد.

واژه‌های کلیدی: شکاف مالیاتی، تعارضات مالیاتی، عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی، هزینه حقوق صاحبان سهام.

۱- مقدمه

سرمایه‌گذاران با بهره‌گیری از اطلاعات مالی شرکت‌ها درصدد برآورد بازده مورد انتظار خود بر می‌آیند. بازدهی که سهامداران با توجه به این اطلاعات انتظار دارند، به عبارتی هزینه حقوق صاحبان سهام برای شرکت‌های جویای سرمایه به شمار می‌آید. عوامل متعددی از جمله محافظه‌کاری، اقلام تعهدی، ویژگی‌های کیفی سود و غیره بر هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت‌ها تاثیر می‌گذارند (قبیول و همکاران، ۲۰۲۳). لازمه انجام ماموریت و رسیدن به مطلوب سازمان امور مالیاتی، شناسایی مدیریت موقعیت‌های تعارض در حوزه مالیات است. شناسایی و مدیریت موقعیت‌های تعارض می‌تواند حضور فعالانه و مؤثر ذی‌نفعان درون سازمان و فرا سازمان را اصلاح کند. همچنین تغییر قواعد و ساختار و بازخوانی نقش ذی‌نفعان و موجودیت‌ها از ناحیه مدیریت تعارض، پیامدهای منفی ناشی از تعارض حوزه مالیات را کاهش می‌دهد تا جایی که کاهش در تعارض مالیات می‌تواند به کاهش در هزینه حقوق صاحبان سهام منتهی شود (دنگ و همکاران، ۲۰۲۲). با توجه به مطالب ذکر شده در پژوهش‌های پیشین به این نکته اشاره نشده‌است که وجود تعارضات مالیاتی چه تأثیری را می‌تواند بر هزینه حقوق صاحبان سهام داشته باشد. که در این پژوهش برای اولین بار در ادبیات حسابداری ایران به آن خواهیم پرداخت. نوآوری پژوهش پیش‌رو از جنبه تئوریک به تئوری بازی‌ها و نظریه نمایندگی اشاره دارد و از جنبه تئوری بازی‌ها به دلیل تعارضی است که بین شرکت و دولت (به عنوان یکی از ذینفعان) بوجود خواهد آمد و موجب می‌شود که شرکت با استفاده از گزارشگری مالیاتی متهورانه اقدام به گریز از پرداخت مالیات که یکی از شیوه‌های ایجاد شکاف مالیاتی است نماید. از این رو به واسطه تضاد بالقوه‌ای که بین مودی و مقامات مالیاتی وجود دارد، با یک بازی مالیاتی مواجه خواهیم بود. روابط متقابل بین پرداخت‌کننده مالیات (شرکت) و مقامات مالیاتی (دولت) بصورت تحلیلی تحت عنوان بازی مالیاتی توصیف می‌شود. بازی مالیاتی شامل تبادل استراتژیک شرکت و دولت می‌شود که می‌توان "شکاف مالیاتی" را به عنوان ابزار استراتژیکی شرکت در برابر دولت در نظر گرفت (پیکه‌هارت و پرینتز، ۲۰۱۴).

در این پژوهش به تعارضات مالیاتی نیز به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر شکاف مالیاتی توجه شده است. تعارض مالیاتی به رویه‌های اتخاذ شده توسط شرکت که با توجه به صنعت و اندازه شرکت به میزان غیر منتظره‌ای کمتر مالیات می‌پردازد می‌گویند (آلپربی و همکاران، ۲۰۲۰). تعارضات مالیاتی نیز می‌تواند در ایجاد شکاف مالیاتی تاثیر بسزایی داشته باشد. قرار نگرفتن دو نقطه درآمد مشمول مالیات و سود قبل از مالیات حسابداری بر روی هم و بروز اختلاف بین دو عدد امری

منطقی جلوه می‌کند. در این بین به طور مکرر رویدادها و وقایعی در محیط اقتدار قانون مالیات‌ها رخ می‌دهد که محتاج تفسیر، رفع تعارض و صدور رای است. برخی از این رویدادها، اگر به دلیل طرح نکردن احتمالی شکایت از سوی مودی در شورای عالی مالیاتی، مودیان متضرر، از برخورداری از آرای منطبق با قانون و یا رافع تعارض محروم باشند، اعلام نظر نکردن و ارجاع و یا دست‌کم بی‌توجهی به موضوعات عمده و مبتلابه که عموماً سبب بروز خسارت به مودیان است، با قصد قانون‌گذار منافات دارد. اهمیت این امر و توجه به مالیات به عنوان یکی از مهمترین خروجی‌ها در گردش نقدینگی شرکت و تاثیر آن بر هزینه حقوق صاحبان سهام و تخصص مدیریت مالیاتی را در زیر مجموعه مدیریت مالی ضرورت می‌بخشد. با بکارگیری مدیریت مالیاتی به عنوان یک تخصص ویژه و مستمر می‌توان با رفع تعارضات مالیاتی، شکاف مالیاتی را به حداقل رساند. چرا که تعارضات مالیاتی منجر به افزایش شکاف مالیاتی می‌شود و در تطابق با شکاف مالیاتی منجر به افزایش در هزینه حقوق صاحبان سهام می‌شود (یانگ و همکاران، ۲۰۲۲). صرفه‌جویی هزینه ناشی از فعالیت‌های عدم پرداخت مالیات می‌تواند مبلغی ارزشمند برای ضعف مالی شرکت باشد و تامین مالی از طریق بدهی یا وجه نقد را کاهش دهد. تعارض مالیاتی می‌تواند باعث افزایش یا کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام شود. به مجموعه فعالیت‌هایی که شرکت‌ها برای کاهش هزینه مالیات بر درآمد خود انجام می‌دهند تعارضات مالیاتی گفته می‌شود (آستین و ویلسون، ۲۰۱۷). تحقیق‌های انجام شده در زمینه تعارضات مالیاتی به این موضوع اشاره دارد که وجوه حاصل از تعارضات مالیاتی می‌تواند در زمینه سرمایه‌گذاری و امر تولید مورد استفاده قرار گیرد. این امر موجب افزایش جریان نقدی مورد انتظار آینده و در نتیجه کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام می‌شود (آدلا و همکاران، ۲۰۲۳). در پژوهش‌های پیشین برخی از عوامل موثر بر تعارضات مالیاتی بر شکاف مالیاتی بررسی شده‌است حال چالشی که پیش روی محقق در این بخش قرار می‌گیرد آن است که آیا عوامل ناشناخته‌ای از تعارضات مالی وجود دارد که از دسترس پژوهشگر دور بوده و ناشناخته باقی مانده باشد، در حالی که این عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی می‌تواند بر رابطه بین شکاف مالیاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام نقش واسطه‌ای داشته باشد یا خیر.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۲- مبانی نظری

یکی از عواملی که تاثیر بسیاری در کاهش درآمد مالیاتی کشورها دارد، شکاف مالیاتی است که موجب برآورد کمتر از واقع درآمدهای مالیاتی کشورها می‌شود (خانی و همکاران، ۱۳۹۳).

هزینه سرمایه شود. ذخیره کردن وجه نقد، بیشترین منفعت حاصل از برنامه‌ریزی‌های مالیاتی است. جریان نقد ذخیره شده در نتیجه شکاف مالیاتی می‌تواند به عنوان جریان نقدی تلقی شود که به جای پرداخت به ماموران مالیاتی برای خود شرکت ضبط و استفاده می‌شود. هر ریال ذخیره شده به واسطه پرداخت کمتر مالیات، می‌تواند در شرکت برای مصارف مولد دیگر به کار گرفته شود. بنابراین به افزایش جریان نقد مورد انتظار و کاهش هزینه سرمایه شرکت منجر می‌شود (آدلا و همکاران، ۲۰۲۳). به عبارت دیگر، وجوه حاصل از ایجاد شکاف مالیاتی می‌تواند در تولید یا سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار گیرد، که این امر موجب افزایش جریان نقدی مورد انتظار و کاهش هزینه سرمایه می‌شود. اگر سرمایه‌گذاران ایجاد شکاف مالیاتی را به عنوان فعالیت‌های خطر جویی که ارزش فعلی خالص مثبت دارد، تشخیص دهند آنگاه می‌توانند باعث افزایش جریان نقد مورد انتظار آتی شود و از این جهت هزینه سرمایه کاهش می‌یابد (یانگ و همکاران، ۲۰۲۰).

۲-۲- پیشینه پژوهش

مولایی ایل ذوقه و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی مدلی برای شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر بر گزارشگری متهورانه مالیاتی با استفاده از روش تحلیل مولفه‌های اصل ارائه کردند. نتایج نشان می‌دهد شاخص‌های مالی رابطه معناداری با گزارشگری متهورانه مالیاتی ندارند ولی شاخص‌های غیر مالی، حاکمیتی و مدیریتی دارای رابطه معناداری با گزارشگری متهورانه مالیاتی هستند. دیگر یافته‌ها بیانگر این است که شاخص‌های حاکمیتی، مدیریتی و غیرمالی بیشترین تاثیر را بر گزارشگری متهورانه مالیاتی دارند.

میرزایی و امان‌الهی (۱۴۰۲)، در پژوهشی به شناسایی عوامل موثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی در ایران پرداختند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پژوهش نشان داد که شفافیت، پاسخگویی، ثبات سیاسی، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد، مشارکت‌پذیری، عدالت و بی‌طرفی، رفتار اخلاقی و حرفه‌ای، تشخیص ریسک‌های مالیاتی، کاهش شکاف مالیاتی، کاهش فرار مالیاتی، مسئولیت-پذیری، اجماع محوری، جامعیت، استقلال، مشروعیت، ارتقای کارایی، رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی و انسانی بر حاکمیت مالیاتی اثرگذار هستند.

مهاجری و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی مخارج مالیاتی سیاست‌گذاری و عدم تمکین در نظام مالیات بر ارزش افزوده در ایران پرداختند. بر اساس یافته‌های آن‌ها، شکاف سیاسی و تمکین روند نوسانی و کاهشی دارند و استان‌های

تضاد منافعی که میان دولت و سهامداران وجود دارد را می‌توان به عنوان یکی از تعارض‌های موجود بین ذی‌نفعان شرکت‌ها نام برد. بر این اساس زمانی که عملیات شرکت به سود منجر شود، قبل از هر تصمیمی باید سهم دولت در ارتباط با این سود، محاسبه و به نام مالیات پرداخت شود. این موضوع سبب می‌شود، شرکت و سهام‌داران از طریق مدیران خود و با استفاده از گزارشگری مالیاتی متهورانه به اجتناب یا فرار از پرداخت مالیات اقدام کنند (فروغی و همکاران، ۱۳۹۴). این اجتناب یا فرار مالیاتی و به طور کلی شکاف مالیاتی به طور شفاف‌تر، عدم اطمینانی که دولت در اثر عدم پرداخت مالیات شرکت‌ها دارد، منجر می‌شود که هم برای شرکت و هم برای دولت مشکل ساز شود و هزینه حقوق صاحبان سهام را افزایش دهد. (میراحمدی و همکاران، ۲۰۲۳).

در این بین تعارضات مالیاتی نیز می‌تواند در ایجاد شکاف مالیاتی تاثیر بسزایی داشته باشد. قرار نگرفتن دو نقطه درآمد مشمول مالیات و سود قبل از مالیات حسابداری بر روی هم و بروز اختلاف بین دو عدد امری منطقی جلوه می‌کند. در این بین به طور مکرر رویدادها و وقایعی در محیط اقتدار قانون مالیات‌ها رخ می‌دهد که محتاج تفسیر، رفع تعارض و صدور رای است. برخی از این رویدادها، اگر به دلیل طرح نکردن احتمالی شکایت از سوی مودی در شورای عالی مالیاتی، مودیان متضرر، از برخورداری از آرای منطبق با قانون و یا رافع تعارض محروم باشند، اعلام نظر نکردن و ارجاع و یا دست‌کم بی‌توجهی به موضوعات عمده و مبتلابه که عموماً سبب بروز خسارت به مودیان است، با قصد قانون‌گذار منافات دارد. اهمیت این امر و توجه به مالیات به عنوان یکی از مهمترین خروجی‌ها در گردش نقدینگی شرکت و تاثیر آن بر هزینه حقوق صاحبان سهام و تخصص مدیریت مالیاتی را در زیر مجموعه مدیریت مالی ضرورت می‌بخشد. با بکارگیری مدیریت مالیاتی به عنوان یک تخصص ویژه و مستمر می‌توان با رفع تعارضات مالیاتی، شکاف مالیاتی را به حداقل رساند. چرا که تعارضات مالیاتی منجر به افزایش شکاف مالیاتی می‌شود و در تطابق با شکاف مالیاتی منجر به افزایش در هزینه حقوق صاحبان سهام می‌شود (یانگ و همکاران، ۲۰۲۲). لی و همکاران (۲۰۱۳)، معتقدند برنامه‌ریزی‌های مالیاتی می‌تواند پیچیدگی‌های سازمانی شرکت را افزایش دهد و بر این باورند که این پیچیدگی‌ها به حدی می‌رسد که نمی‌توان با بخش‌های خارج از شرکت (مانند سرمایه‌گذاران، بستانکاران و تحلیلگران) به درستی ارتباط برقرار کرد و به این ترتیب مشکلات شفافیت گزارشگری مالی افزایش پیدا می‌کند. شکاف مالیاتی همچنین می‌تواند با تاثیر غیر مستقیم بر روی جریان‌های نقدی مورد انتظار آینده شرکت، سبب کاهش

تهران، خراسان رضوی، بوشهر، فارس، البرز، اصفهان و آذربایجان شرقی به ترتیب بالاترین سهم از شکاف تمکین را دارند، در حالیکه پایین‌ترین سهم شکاف تمکین به استان‌های ایلام، خراسان شمالی و جنوبی و استان کهگیلویه و بویراحمد اختصاص دارد.

اخترشناس و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی تاثیر اختلاف سود حسابداری با درآمد مشمول مالیات بر کیفیت حسابرسی با تاکید بر نقش کیفیت سود پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد کیفیت سود بر رابطه بین اختلاف سود حسابداری با درآمد مشمول مالیات و کیفیت حسابرسی، نقش تعدیل کننده دارد، بنابراین شرکت‌هایی که اختلاف سود حسابداری با درآمد مشمول مالیات زیادی دارند، از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردار هستند و همچنین اختلاف سود دفتری-مالیاتی بیانگر یک معیار قابل مشاهده برای کیفیت سود می‌باشد که تصمیمات حسابرس را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

یاراحمدی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی دلایل شکاف بین درآمد مشمول مالیات ابرازی و درآمد مشمول مالیات تشخیصی شرکت‌های غیرتولیدی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد دلایل اختلاف بین درآمد مشمول مالیات ابرازی و درآمد مشمول مالیات تشخیصی عبارت است از عدم رعایت قانون مالیات‌های مستقیم توسط مودیان، عدم رعایت استانداردهای حسابداری توسط مودیان مالیاتی، عدم وجود مستندات کافی (اعم از هزینه-ای، معافیت‌ها و مشوق‌های مالیاتی) توسط مودیان مالیاتی، عدم اعمال و بکار بستن بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مالیاتی توسط مودیان.

پارسا و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی تاثیر تحریم‌های اقتصادی و ارتباطات سیاسی بر درآمدها و شکاف مالیاتی: آزمون تئوری اقتصاد سیاسی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که تحریم‌های اقتصادی باعث افزایش شکاف مالیاتی و کاهش درآمدهای مالیاتی می‌شوند. در شرایط تحریم اقتصادی، شرکت‌ها رو به اقتصاد پنهان و اقتصاد زیرزمینی می‌آوردند تا از این طریق بتوانند از پرداخت مالیات فرار کرده و وج. نقد را در شرکت نگه‌دارند.

قوال و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی انعطاف ناپذیری شرکت و هزینه حقوق صاحبان سهام پرداختند. آنان با استفاده از مجموعه داده بزرگی از شرکت‌های تولیدی از ۶۵ کشور، بررسی کردند که آیا و چگونه عدم انعطاف شرکت بر هزینه حقوق صاحبان سهام در دوره ۱۹۸۹-۲۰۱۸ تأثیر می‌گذارد یا خیر. آنان دریافتند که به طور متوسط، یک شرکت با سطح انعطاف ناپذیری بالاتر، هزینه حقوق صاحبان سهام

بالاتری دارد. این نتایج با این دیدگاه سازگار است که سرمایه گذاران شرکت‌هایی با سطوح بالاتر انعطاف ناپذیری را به عنوان شرکت‌های پرخطر درک می‌کنند. یافته‌های آنان نسبت به گزینه‌های جایگزین برای انعطاف ناپذیری شرکت و هزینه حقوق صاحبان سهام قوی است. آنان همچنین نشان دادند که اثرات انعطاف ناپذیری شرکت بر هزینه ضمنی حقوق صاحبان سهام برای شرکت‌های کوچک و شرکت‌های مستقر در کشورهای توسعه‌یافته قوی‌تر است.

گاویس و همکاران (۲۰۲۲)، در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداختند که آیا اجتناب از مالیات زمانی که اجرای مالیات قوی‌تر است افزایش می‌یابد یا کاهش. آن‌ها در پژوهش خود عنوان کردند که اگر اجرای قویتر منجر به انطباق بیشتر مالیاتی شود، انتظار داریم کاهش اقدامات اجتناب از مالیات را در همه شرکت‌ها مشاهده کنیم. همان‌طور که آن‌ها انتظار داشتند، اجتناب از مالیات در شرکت‌هایی که سیاست‌های مسئولیت اجتماعی را اتخاذ نمی‌کنند در پاسخ به این تغییر برون‌زا کاهش یافته‌است، اما به طور شگفت‌انگیزی، در شرکت‌هایی که سیاست مسئولیت اجتماعی را اتخاذ می‌کنند، افزایش یافته‌است. آن‌ها با استفاده از یک شوک برون‌زا به اجرای مالیات به ادبیات کمک می‌کنند تا روشن کنند که آیا شرکت‌هایی که سیاست‌های مسئولیت اجتماعی را اتخاذ می‌کنند در گزارش‌های مالیاتی خود به شیوه‌ای مسئولیت‌پذیر در اجتماع عمل می‌کنند یا خیر.

لیو و تیان (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان کنترل تعهد سهام سهامداران و هزینه حقوق صاحبان سهام: شواهدی از چین انجام دادند. آنان دیدگاه انگیزشی را پیشنهاد و آزمایش کردند که فشار فراخوانی حاشیه و اختلاف کنترل مالکیت مرتبط با تعهد سهام خودی، ریسک درک شده سرمایه‌گذاران و در نتیجه هزینه حقوق صاحبان سهام را در یک بازار در حال ظهور افزایش می‌دهد. با استفاده از یک نمونه تعهد سهام سهامداران کنترلی برای شرکت‌های فهرست شده چینی، متوجه شدند که شرکت‌هایی که تعهد سهام دارند هزینه حقوق صاحبان سهام دارند که ۲۳.۷ واحد پایه بالاتر از شرکت‌هایی است که تعهد سهام ندارند. علاوه بر این، تعهد سهام، هزینه سرمایه سهام را از طریق مخاطرات اطلاعاتی و کانال‌های تضاد نمایندگی افزایش می‌دهد. تحلیل‌های مقطعی نشان می‌دهد که تعهد سهام تأثیر قوی‌تری بر هزینه سرمایه در شرکت‌های غیردولتی، شرکت‌های بدون نظارت بر سهامداران بزرگ متعدد، شرکت‌هایی با سهامداران کنترل‌کننده که سمت رئیس هیئت مدیره را به عهده می‌گیرند، و شرکت‌هایی با محیط نهادی ضعیف است. علاوه بر این، با استفاده از بحران مالی جهانی و شیوع ویروس کرونا به

ج) به دلیل متفاوت بودن ماهیت فعالیت‌ها جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری، هلدینگ، لیزینگ و بانکها بودند.

د) طی دوره پژوهش فعالیت مستمر نداشته و معاملات آنها در بورس دچار وقفه بیش از سه ماه بوده است.

و) شرکت‌های متعلق به صنایعی که تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در آنها کمتر از ۵ شرکت بود.

برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از اطلاعات صورتهای مالی و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استفاده گردید. و در نهایت با استفاده از نرم‌افزار ایویوز به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد.

۵- مدل پژوهش

این پژوهش با جمع‌بندی پژوهش‌های مختلف از جمله پژوهش گالمور و لبرو (۲۰۱۵) و بر اساس این تعریف که بیان می‌کند باقی مانده مدل طراحی شده عوامل موثر بر شکاف مالیاتی با عنوان عوامل ناشناخته‌ای که می‌تواند بر شکاف مالیاتی تاثیرگذار باشد یاد می‌کند صورت گرفته است.

- 1) $CEC_{it} = \alpha_0 + \beta_1 TA_{it} + \beta_2 Lev_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 Sale_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$
- 2) $Un\ TCon_{it} = \alpha_0 + \beta_1 TA_{it} + \beta_2 Lev_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 Sale_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$
- 3) $CEC_{it} = \alpha_0 + \beta_1 Un\ TCon_{it} + \beta_2 Lev_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 Sale_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$
- 4) $CEC_{it} = \alpha_0 + \beta_1 TA_{it} + \beta_2 Un\ TCon_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 Sale_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$

در مدل فوق:

CEC: نشان دهنده هزینه حقوق صاحبان سهام است. با استفاده از مدل گوردون محاسبه می‌شود که عبارت است از حاصل تقسیم سود سال آتی بر قیمت امسال سهام به اضافه نرخ رشد سود تقسیمی (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳).

TA: نشان دهنده شکاف مالیاتی است. این متغیر از اختلاف بین مالیات ابرازی (اظهار شده) و مالیات تعیینی (تشخیصی، قطعی و یا نظرات نهایی شورای عالی مالیاتی) اطلاعات مندرج در نگاره مالیات بر درآمد یادداشت‌های توضیحی صورتهای مالی اساسی بدست می‌آید. اولویت در انتخاب مالیات تعیینی، مالیات قطعی می‌باشد و در صورتی که مالیات هنوز قطعی نشده باشد از مالیات تشخیصی استفاده خواهد شد (دیدار و همکاران، ۱۳۹۳).

Un TCon: نشان دهنده عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی است. یعنی استخراج عواملی که بر شکاف مالیاتی تاثیرگذار بوده ولی قابل شناسایی نیستند و دور از دسترس پژوهشگر قرار دارند در ابتدا با استفاده از عوامل تاثیرگذار بر شکاف مالیاتی ناشی از تعارضات مالیاتی به طراحی مدل شکاف مالیاتی می‌پردازیم.

عنوان آزمایش‌های شبه طبیعی، آنان تأثیر مخدوش‌کننده بالقوه بنیادهای شرکت را از هم جدا کردند و نشان دادند که تعهد سهام به طور مثبت با هزینه حقوق صاحبان سهام همراه است. به طور کلی، نتایج با دیدگاه مشوق مطابقت دارد که تعهد سهام باعث افزایش هزینه سرمایه در بازارهای نوظهور می‌شود.

تی سانگ هسیه و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در تایوان در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ برای ۶۴ شرکت، انجام گرفته است. تجزیه و تحلیل به روش اقتصادسنجی انجام گرفت. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که مالکیت نهادی اثر معناداری بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در تایوان وجود دارد.

آلفونسو و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی تحت عنوان مدل‌سازی پویای فضایی از شکاف مالیاتی به بررسی عوامل شکاف مالیاتی منطقه‌ای در کشور ایتالیا پرداختند. که با استفاده از مدل پنل فضایی پویا در فاصله زمانی بین ۲۰۱۱-۲۰۰۱ همبستگی فضایی را تخمین زدند. نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه بین عوامل تعیین‌کننده مانند عوامل داخلی و عملیاتی مناطق جغرافیایی با کارایی نسبی اجتناب از مالیات است.

۳- فرضیه‌های پژوهش

عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی بر رابطه بین شکاف مالیاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام نقش واسطه‌ای دارد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

روش این تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی بوده و برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون داده‌های ترکیبی، استفاده شده است و از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد، چون با هدف بکارگیری این نتایج در بازار سرمایه انجام می‌گیرد. قلمرو مکانی پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی آن سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ می‌باشد. در این پژوهش ۱۴۹ شرکت به عنوان نمونه آماری از روش حذف نظام مند با اعمال محدودیت‌های زیر در نظر گرفته شد:

الف) شرکت‌های مورد نظر از ابتدای سال ۱۳۹۲ تا انتهای

سال ۱۳۹۸ در عضویت بورس اوراق بهادار نبوده‌اند.

ب) شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها به ۱۲/۲۹ ختم

نشده است و یا شرکت‌های که در طول دوره پژوهش

تغییر سال مالی داشته‌اند.

Sale: نشان دهنده تغییرات میزان فروش می‌باشد که از تقسیم تغییرات میزان فروش بر درآمدها محاسبه می‌شود (فغانی و همکاران، ۱۳۹۵).

ROA: نشان دهنده نرخ بازده دارایی می‌باشد که از تقسیم مقدار سود خالص بر دارایی کل محاسبه می‌شود (جهانخانی و پارسائیان، ۱۳۸۲).

۶- یافته‌های پژوهش:

۶-۱- آزمون‌های مربوط به مدل شکاف مالیاتی ناشی از تعارضات مالیاتی

همانطور که مشاهده می‌گردد متغیرهای کیفی تعارضات مالیاتی بدلیل آنکه هنوز با استفاده از روش دلفی فازی شناسایی نشده است با X_1, X_2, \dots, X_n در مدل رگرسیونی نشان داده شده است.

$$TA_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 X_{1,i,t} + \beta_2 X_{2,i,t} + \dots + \epsilon_{i,t}$$

E: نشان دهنده عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی است که از رابطه بین عوامل تاثیرگذار تعارضات مالیاتی بر شکاف مالیاتی محاسبه می‌شود (گالمور و لبرو، ۲۰۱۵).

متغیرهایی که جهت شناسایی عوامل ناشناخته شکاف مالیاتی ناشی از تعارضات مالیاتی بکار برده می‌شوند، متغیرهای کیفی هستند که در قالب پرسشنامه تعیین روایی شدند. متغیرهای منتخب در قالب پرسش‌نامه متشکل از طیف لیکرت پنج تایی که صاحب‌بنظران حوزه مالی و مالیات آن را تکمیل کردند با استفاده از روش تصمیم‌گیری چند معیاره اولویت بندی شدند و با استفاده از پژوهش‌های انجام شده کمی سازی خواهند شد. در مرحله بعد کلیه متغیرها در چارچوب مدل رگرسیون چند متغیره برازش خواهند شد. و در نهایت جمله خطا مدل طراحی شده را به عنوان عواملی از شکاف مالیاتی که ناشی از تعارضات مالیاتی هستند و دور از دسترس پژوهشگر قرار دارند در نظر می‌گیریم و در بخش اول نتایج به چگونگی مراحل محاسبه عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی اشاره می‌کنیم.

Lev: مجموع بدهی‌های بلندمدت و بدهی‌های جاری تقسیم بر کل دارایی‌ها (جهانخانی و پارسائیان، ۱۳۸۲).

Size: نشان دهنده اندازه شرکت است و از لگاریتم طبیعی دارایی کل محاسبه می‌شود (جهانخانی و پارسائیان، ۱۳۸۲).

جدول ۱. متغیرهای کیفی اثرگذار بر شکاف مالیاتی ناشی از تعارضات مالیاتی

۱. بار مالیاتی	۱۱. وجود فساد در میان ماموران مالیاتی
۲. نرخ مالیات	۱۲. راضی نگه داشتن سهامداران
۳. اندازه دولت	۱۳. عدم موفقیت در شناسایی کامل مودیان مالیاتی پایه‌های مختلف مالیاتی
۴. سرمایه اجتماعی	۱۴. ناکارآمد بودن نظام سازوکار تشویقی و تنبیه مالیاتی
۵. اشراف نداشتن قانون‌گذار	۱۵. وجود معافیت‌های مالیاتی متنوع و متعدد در ساختار مالیاتی
۶. دخالت نهادهای غیرمسئول	۱۶. عدم شناسایی منابع بالقوه مالیاتی
۷. عدم استقبال از تسلیم اظهارنامه	۱۷. ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی برای مودیان
۸. ثبات اقتصادی	۱۸. آزاد سازی تجاری
۹. گسترش فرهنگ مالیاتی	۱۹. تغییرات نرخ بهره
۱۰. وجود محیط رقابتی	۲۰. درآمد مالیات دهندگان

متغیرهای زبانی تعریف شده در جدول ۲، پرسشنامه ای جهت ارائه به خبرگان طراحی شد. نتایج حاصل از بررسی پاسخ‌های پرسشنامه مرحله نخست نظرسنجی در جدول ۳، آمده است.

جدول ۲. اعداد فازی مثلثی متغیرهای کلامی

متغیرهای کلامی	عدد فازی مثلثی
خیلی زیاد	(۷، ۹، ۱۰)
زیاد	(۵، ۷، ۹)
متوسط	(۳، ۵، ۷)
کم	(۱، ۳، ۵)
خیلی کم	(۰، ۱، ۳)

مطالعات دلفی فازی

در این مرحله معیارهای شناسایی شده فازی سازی می‌شوند. برای فازی سازی از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت با فاصله‌های یکسان استفاده شده است. عدد فازی معادل هریک از متغیرهای کلامی، به صورت جدول ۲، نشان داده می‌شود.

برای تعیین و نهایی شدن متغیرهای کیفی اثرگذار بر شکاف مالیاتی ناشی از تعارضات مالیاتی با استفاده از روش دلفی فازی مراحل زیر انجام گردید. بر اساس مطالعه نظریه پردازی، ۲۰ متغیرهای کیفی اثرگذار بر شکاف مالیاتی ناشی از تعارضات مالیاتی پیشنهاد گردید با توجه به گزینه‌های پیشنهادی و

است. با توجه به فرمول، میانگین فازی نتایج شمارش داده‌ها در جدول ۸، بدست آمده است.

با توجه به فرمول شماره ۱ چنگ لین میزان اختلاف نظر خبرگان در مراحل دوم و سوم به شرح جدول ۹، می‌باشد. همانطور که جدول فوق نشان می‌دهد میزان اختلاف نظر خبرگان در مراحل دوم و سوم برای گزینه باقی مانده کمتر از ۰/۲ می‌باشد و لذا نظرسنجی در این مرحله متوقف می‌شود. در واقع می‌توان گفت در این مرحله، اجماع خوبی میان خبرگان پدید آمده است. از بین متغیرهای کیفی اثرگذار بر شکاف مالیاتی ناشی از تعارضات مالیاتی، متغیرهای "بار مالیاتی"، "نرخ مالیات"، "اندازه دولت"، "تغییرات نرخ بهره" و "وجود محیط رقابتی" در نظر سنجی‌ها در دامنه زیاد قرار دارد و بدلیل موافقت اکثریت خبرگان در مدل مفهومی تحقیق باقی ماندند. بنابراین در طی سه مرحله نظرسنجی از ۲۰ عامل، ۱۵ متغیر از مدل مفهومی نهایی تحقیق حذف گردیده و مدل نهایی دارای ۵ متغیر گردید. جدول ۱۰، نتیجه نهایی غربالگری متغیرهای کیفی اثرگذار بر شکاف مالیاتی ناشی از تعارضات مالیاتی را نشان می‌دهد.

همانطور که مشاهده می‌گردد متغیرهای کیفی تعارضات مالیاتی با استفاده از روش دلفی فازی شناسایی شده و در مدل رگرسیونی زیر نشان داده شده است.

$$TA_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 Tburden_{i,t} + \beta_2 TRate_{i,t} + \beta_3 AG_{i,t} + \beta_4 Com_{i,t} + \beta_5 Interest_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

در مدل فوق:

$TA_{i,t}$: نشان دهنده شکاف مالیاتی است. $Tburden_{i,t}$: نشان دهنده بار مالیاتی است. $TRate_{i,t}$: نشان دهنده نرخ مالیاتی است. $AG_{i,t}$: نشان دهنده اندازه دولت است. $Com_{i,t}$: نشان دهنده محیط رقابتی است. $Interest_{i,t}$: نشان دهنده تغییرات نرخ بهره است.

جدول ۲، خلاصه نتایج محاسبات روش دلفی فازی را نشان می‌دهد. جدول ۴، میانگین نظرات خبرگان در مرحله نخست را نشان می‌دهد.

در مرحله اول، پیشنهاد جدیدی علاوه بر گزینه‌های پیشنهادی دریافت نشده است. در مرحله دوم پرسشنامه دیگری مشابه جدول ۴، تهیه گردید. در این پرسشنامه نقطه نظر قبلی هر فرد و میزان اختلاف آنها با دیدگاه سایر خبرگان (میانگین فازی زدائی شده)، مجدداً به اعضای گروه خبره ارسال گردید. در مرحله دوم اعضای گروه خبره با توجه به نقطه نظرات سایر اعضای گروه مجدداً به سوالات ارائه شده پاسخ داده‌اند که میانگین فازی نتایج شمارش پاسخ‌های ارائه شده در مرحله دوم همچون مرحله اول با استفاده از فرمول‌های در جدول ۶، آورده شده است. با توجه به دیدگاه‌های ارائه شده در مرحله اول و مقایسه آن با نتایج این مرحله، در صورتی که اختلاف بین دو مرحله کمتر از حد آستانه ۰/۲ باشد در این صورت فرایند نظرسنجی متوقف می‌شود. همانگونه که جدول فوق نشان می‌دهد، اعضای گروه خبره بغیر از معیارهای شماره‌های ۵، ۸، ۹ و ۱۷ به وحدت نظر رسیده‌اند و میزان اختلاف نظر در مراحل اول و دوم کمتر از حد آستانه ۰/۲ بوده، لذا نظرسنجی در خصوص معیارهای فوق متوقف گردید. این مطلب بیان‌کننده این نکته است که اعضای گروه خبره با همه معیارها اشاره شده موافق بوده‌اند و تنها در معیارهای شماره‌های ۵، ۸، ۹ و ۱۷ معیارهای باقی مانده اختلاف نظر قابل ملاحظه‌ای دارند. در مرحله سوم ضمن اعمال تغییرات لازم در معیارهای مدل، پرسشنامه سوم تهیه گردیده و همراه با نقطه نظر قبلی هر فرد و میزان اختلاف آنها با میانگین دیدگاه سایر خبرگان مجدداً به خبرگان ارسال گردید. با این تفاوت که در این مرحله از ۲۰ معیار موجود در مرحله قبل، ۱۶ مورد متوقف گردیده و نظرسنجی در مورد ۴ معیار باقیمانده صورت گرفته

جدول ۳. نتایج شمارش پاسخ‌های مرحله نخست نظرسنجی

ردیف	متغیرهای کیفی	میزان موافقت			
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
۱	بار مالیاتی	۱۹	۲	۱	۰
۲	نرخ مالیات	۱۷	۵	۰	۰
۳	اندازه دولت	۱۸	۴	۰	۰
۴	سرمایه اجتماعی	۴	۱۵	۲	۱
۵	اشراف نداشتن قانون‌گذار	۵	۷	۵	۵
۶	دخالت نهادهای غیرمسئول	۵	۱۰	۴	۳
۷	عدم استقبال از تسلیم اظهارنامه	۷	۱۲	۲	۱
۸	ثبات اقتصادی	۱۲	۶	۴	۰
۹	گسترش فرهنگ مالیاتی	۱۰	۵	۷	۰

ردیف	متغیرهای کیفی	میزان موافقت			
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
۱۰	وجود محیط رقابتی	۱۷	۳	۲	۰
۱۱	وجود فساد در میان ماموران مالیاتی	۵	۱۴	۲	۱
۱۲	راضی نگه داشتن سهامداران	۴	۸	۹	۱
۱۳	عدم موفقیت در شناسایی کامل مودیان مالیاتی پایه‌های مختلف مالیاتی	۵	۷	۸	۲
۱۴	ناکارآمد بودن نظام سازوکار تشویقی و تنبیه مالیاتی	۴	۱۲	۳	۰
۱۵	وجود معافیت های مالیاتی متنوع و متعدد در ساختار مالیاتی	۵	۱۰	۴	۱
۱۶	عدم شناسایی منابع بالقوه مالیاتی	۴	۹	۷	۲
۱۷	ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی برای مودیان	۴	۹	۵	۴
۱۸	آزاد سازی تجاری	۵	۱۱	۵	۱
۱۹	تغییرات نرخ بهره	۱۶	۴	۲	۰
۲۰	درآمد مالیات دهندگان	۳	۹	۷	۳

جدول ۴. میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از نظرسنجی نخست

ردیف	متغیرهای کیفی	میانگین فازی			
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
۱	بار مالیاتی	۹/۷۷	۸/۶۴	۶/۶۴	۸/۴۹
۲	نرخ مالیات	۹/۷۷	۸/۵۵	۶/۵۵	۸/۴۲
۳	اندازه دولت	۹/۸۲	۸/۶۴	۶/۶۴	۸/۵
۴	سرمایه اجتماعی	۸/۸۲	۷	۵	۶/۹۷
۵	اشراف نداشتن قانون گذار	۷/۸۶	۶/۰۹	۴/۰۹	۶/۰۵
۶	دخالت نهادهای غیرمسئول	۸/۳۲	۶/۵۵	۴/۵۵	۶/۵۱
۷	عدم استقبال از تسلیم اظهارنامه	۸/۹۵	۷/۲۷	۵/۲۷	۷/۲۲
۸	ثبات اقتصادی	۹/۱۸	۷/۷۳	۵/۷۳	۷/۶۴
۹	گسترش فرهنگ مالیاتی	۸/۸۲	۷/۲۷	۵/۲۷	۷/۲
۱۰	وجود محیط رقابتی	۹/۵۹	۸/۳۶	۶/۳۶	۸/۲۳
۱۱	وجود فساد در میان ماموران مالیاتی	۸/۸۶	۷/۰۹	۵/۰۹	۷/۰۵
۱۲	راضی نگه داشتن سهامداران	۸/۱۸	۶/۳۶	۴/۳۶	۶/۳۳
۱۳	عدم موفقیت در شناسایی کامل مودیان مالیاتی پایه‌های مختلف مالیاتی	۸/۱۴	۶/۳۶	۴/۳۶	۶/۳۳
۱۴	ناکارآمد بودن نظام سازوکار تشویقی و تنبیه مالیاتی	۸/۳۶	۶/۵۵	۴/۵۵	۶/۵۲
۱۵	وجود معافیت های مالیاتی متنوع و متعدد در ساختار مالیاتی	۸/۲۳	۶/۴۵	۴/۵	۶/۴۲
۱۶	عدم شناسایی منابع بالقوه مالیاتی	۸/۱۸	۶/۳۶	۴/۳۶	۶/۳۳
۱۷	ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی برای مودیان	۸	۶/۱۸	۴/۱۸	۶/۱۵
۱۸	آزاد سازی تجاری	۸/۵۹	۶/۸۲	۴/۸۲	۶/۷۸
۱۹	تغییرات نرخ بهره	۹/۵۵	۸/۲۷	۶/۲۷	۸/۱۵
۲۰	درآمد مالیات دهندگان	۷/۹۵	۶/۰۹	۴/۰۹	۶/۰۷

جدول ۵. میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از نظرسنجی دوم

ردیف	متغیرهای کیفی	میزان موافقت			
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
۱	بار مالیاتی	۱۹	۳	۰	۰
۲	نرخ مالیات	۱۸	۴	۰	۰

۰	۰	۰	۴	۱۸	اندازه دولت	۳
۰	۰	۳	۱۵	۴	سرمایه اجتماعی	۴
۰	۵	۵	۱۰	۲	اشراف نداشتن قانون‌گذار	۵
۰	۱	۶	۱۰	۵	دخالت نهادهای غیرمسئول	۶
۰	۰	۳	۱۲	۷	عدم استقبال از تسلیم اظهارنامه	۷
۰	۰	۴	۹	۹	ثبات اقتصادی	۸
۰	۰	۸	۶	۸	گسترش فرهنگ مالیاتی	۹
۰	۰	۱	۴	۱۷	وجود محیط رقابتی	۱۰
۰	۰	۳	۱۴	۵	وجود فساد در میان ماموران مالیاتی	۱۱
۰	۱	۹	۱۰	۲	راضی نگه داشتن سهامداران	۱۲
۰	۲	۸	۸	۴	عدم موفقیت در شناسایی کامل مودیان مالیاتی پایه‌های مختلف مالیاتی	۱۳
۰	۲	۴	۱۳	۳	ناکارآمد بودن نظام سازوکار تشویقی و تنبیه مالیاتی	۱۴
۰	۳	۴	۱۱	۴	وجود معافیت‌های مالیاتی متنوع و متعدد در ساختار مالیاتی	۱۵
۰	۱	۸	۱۰	۳	عدم شناسایی منابع بالقوه مالیاتی	۱۶
۰	۲	۵	۱۱	۴	ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی برای مودیان	۱۷
۰	۰	۶	۱۱	۵	آزاد سازی تجاری	۱۸
۰	۰	۱	۵	۱۶	تغییرات نرخ بهره	۱۹
۰	۲	۸	۱۰	۲	درآمد مالیات دهندگان	۲۰

جدول ۶. میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از نظرسنجی مرحله دوم

ردیف	متغیرهای کیفی	میانگین فازی			میانگین پس از فازی زدایی
۱	بار مالیاتی	۹/۸۶	۸/۷۳	۶/۷۳	۸/۵۸
۲	نرخ مالیات	۹/۸۲	۸/۶۴	۶/۶۴	۸/۵
۳	اندازه دولت	۹/۸۲	۸/۶۴	۶/۶۴	۸/۵
۴	سرمایه اجتماعی	۸/۹۱	۷/۰۹	۵/۰۹	۷/۰۶
۵	اشراف نداشتن قانون‌گذار	۷/۷۳	۵/۸۲	۳/۸۲	۵/۸
۶	دخالت نهادهای غیرمسئول	۸/۵	۶/۷۳	۴/۷۳	۶/۶۹
۷	عدم استقبال از تسلیم اظهارنامه	۹/۰۵	۷/۳۶	۵/۳۶	۷/۳۱
۸	ثبات اقتصادی	۹/۰۵	۷/۴۵	۵/۴۵	۷/۳۹
۹	گسترش فرهنگ مالیاتی	۸/۶۴	۷	۵	۶/۹۴
۱۰	وجود محیط رقابتی	۹/۶۸	۸/۴۵	۶/۴۵	۸/۳۳
۱۱	وجود فساد در میان ماموران مالیاتی	۸/۹۵	۷/۱۸	۵/۱۸	۷/۱۴
۱۲	راضی نگه داشتن سهامداران	۸/۰۹	۶/۱۸	۴/۱۸	۶/۱۷
۱۳	عدم موفقیت در شناسایی کامل مودیان مالیاتی پایه‌های مختلف مالیاتی	۸/۰۹	۶/۲۷	۴/۲۷	۶/۲۴
۱۴	ناکارآمد بودن نظام سازوکار تشویقی و تنبیه مالیاتی	۸/۴۱	۶/۵۵	۴/۵۵	۶/۵۲
۱۵	وجود معافیت‌های مالیاتی متنوع و متعدد در ساختار مالیاتی	۸/۲۷	۶/۴۵	۴/۴۵	۶/۴۲
۱۶	عدم شناسایی منابع بالقوه مالیاتی	۸/۲۳	۶/۳۶	۴/۳۶	۶/۳۴
۱۷	ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی برای مودیان	۸/۳۶	۶/۵۵	۴/۵۵	۶/۵۲
۱۸	آزاد سازی تجاری	۸/۶۸	۶/۹۱	۴/۹۱	۶/۸۷
۱۹	تغییرات نرخ بهره	۹/۶۴	۸/۳۶	۶/۳۶	۸/۲۴
۲۰	درآمد مالیات دهندگان	۸	۶/۰۹	۴/۰۹	۶/۰۸

جدول ۷. میزان اختلاف دیدگاه خبرگان در نظرسنجی مرحله اول و دوم

اختلاف مرحله اول و دوم	مرحله دوم	مرحله اول	متغیرهای کیفی	ردیف
۰/۰۹	۸/۵۸	۸/۴۹	بار مالیاتی	۱
۰/۰۸	۸/۵	۸/۴۲	نرخ مالیات	۲
۰	۸/۵	۸/۵	اندازه دولت	۳
۰/۰۹	۷/۰۶	۶/۹۷	سرمایه اجتماعی	۴
۰/۲۵	۵/۸	۶/۰۵	اشراف نداشتن قانون‌گذار	۵
۰/۱۸	۶/۶۹	۶/۵۱	دخالت نهادهای غیرمسئول	۶
۰/۰۹	۷/۳۱	۷/۲۲	عدم استقبال از تسلیم اظهارنامه	۷
۰/۲۵	۷/۳۹	۷/۶۴	ثبات اقتصادی	۸
۰/۲۶	۶/۹۴	۷/۲	گسترش فرهنگ مالیاتی	۹
۰/۰۹	۸/۳۳	۸/۲۳	وجود محیط رقابتی	۱۰
۰/۰۹	۷/۱۴	۷/۰۵	وجود فساد در میان ماموران مالیاتی	۱۱
۰/۱۷	۶/۱۷	۶/۳۳	راضی نگه داشتن سهامداران	۱۲
۰/۰۸	۶/۲۴	۶/۳۳	عدم موفقیت در شناسایی کامل مودیان مالیاتی پایه‌های مختلف مالیاتی	۱۳
۰/۰۱	۶/۵۲	۶/۵۲	ناکارآمد بودن نظام سازوکار تشویقی و تنبیه مالیاتی	۱۴
۰	۶/۴۲	۶/۴۲	وجود معافیت‌های مالیاتی متنوع و متعدد در ساختار مالیاتی	۱۵
۰/۰۱	۶/۳۴	۶/۳۳	عدم شناسایی منابع بالقوه مالیاتی	۱۶
۰/۳۶	۶/۵۲	۶/۱۵	ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی برای مودیان	۱۷
۰/۰۹	۶/۸۷	۶/۷۸	آزاد سازی تجاری	۱۸
۰/۰۹	۸/۲۴	۸/۱۵	تغییرات نرخ بهره	۱۹
۰/۰۱	۶/۰۸	۶/۰۷	درآمد مالیات دهندگان	۲۰

جدول ۸. میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از نظرسنجی مرحله سوم

میانگین پس از فازی زدایی	میانگین فازی			متغیرهای کیفی	ردیف
۵/۸	۳/۸۲	۵/۸۲	۷/۷۷	اشراف نداشتن قانون‌گذار	۵
۷/۵	۵/۵۵	۷/۵۵	۹/۱۴	ثبات اقتصادی	۸
۷	۵/۰۹	۷/۰۹	۸/۷۳	گسترش فرهنگ مالیاتی	۹
۶/۶	۴/۶۴	۶/۶۴	۸/۴۵	ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی برای مودیان	۱۷

جدول ۹. میزان اختلاف دیدگاه‌های خبرگان در نظرسنجی مرحله دوم و سوم

اختلاف مرحله دوم و سوم	مرحله سوم	مرحله دوم	متغیرهای کیفی	ردیف
۰/۰۱	۵/۸	۰/۲۵	اشراف نداشتن قانون‌گذار	۵
۰/۰۹	۷/۵	۰/۲۵	ثبات اقتصادی	۸
۰/۰۹	۷	۰/۲۶	گسترش فرهنگ مالیاتی	۹
۰/۰۹	۶/۶	۰/۳۶	ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی برای مودیان	۱۷

جدول ۱۰. متغیرهای کیفی اثرگذار بر شکاف مالیاتی ناشی از تعارضات مالیاتی

متغیرهای کیفی	ردیف
بار مالیاتی	۱
نرخ مالیات	۲
اندازه دولت	۳
وجود محیط رقابتی	۴
تغییرات نرخ بهره	۵

۶-۲-۶- نتیجه آزمون فرضیه

نتایج آزمون مدل در جدول ۱۱، مشاهده می‌شود. برای آزمون اثر متغیر واسطه‌ای مجموعه‌ای از مدل‌های رگرسیون باید برآورد شوند. نخست باید چهار معادله رگرسیون زیر برآورد شود:

- رگرسیون متغیر مستقل روی متغیر برآمد (وابسته)
- رگرسیون متغیر مستقل روی متغیر واسطه‌ای
- رگرسیون متغیر واسطه‌ای روی متغیر برآمد (وابسته)
- رگرسیون متغیرهای مستقل و واسطه‌ای روی متغیر برآمد (وابسته)

جدول زیر نتایج حاصل از رگرسیون را نشان می‌دهد، مطابق مطالب پیش گفته، در این پژوهش جهت آزمون رگرسیون چهارم، یعنی نقش واسطه‌ای عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی بر رابطه بین شکاف مالیاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام، از روش رگرسیون بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده می‌شود.

۶-۲-۱- برآورد مدل به روش داده‌های ترکیبی

در این پژوهش، فرضیه‌ها به کمک الگوی رگرسیونی مبتنی بر داده‌های ترکیبی آزمون شده‌اند؛ به همین دلیل از آزمون F لیمر برای تعیین نوع روش تخمین (روش داده‌های تلفیقی یا روش داده‌های پانل) و آزمون هاسمن برای تعیین نوع الگو (اثرهای تصادفی یا ثابت) استفاده شده است.

در جدول فوق برای هر یک از رگرسیون‌های مدل، آزمون چاو انجام شده است. همانطور که ملاحظه می‌گردد، نتایج آزمون چاو در مدل دوم، مبتنی بر انتخاب مدل پانل می‌باشد. حال می‌بایست مدل اثرات ثابت در مقابل مدل اثرات تصادفی آزمون گردد. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. برای انجام آزمون هاسمن، ابتدا می‌بایست مدل اثرات تصادفی را برآورد کنیم. بر اساس نتایج مندرج در جدول بالا مشاهده می‌گردد که p-value بدست آمده کوچکتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه فرضیه H_1 مبنی بر وجود همبستگی بین اثرات فردی و متغیرهای توضیحی پذیرفته می‌شود. بنابراین برای برآورد مدل از روش اثرات ثابت استفاده می‌گردد.

جدول ۱۱. آزمون F لیمر و هاسمن

آزمون هاسمن			آزمون F لیمر			
نوع الگو	مقدار احتمال	آماره	مدل	مقدار احتمال	آماره	مدل
-	-	-	تلفیقی	۰/۶۲	۰/۹۵	مدل ۱
اثرات ثابت	۰/۰۱	۱۴/۸۹	پانل	۰/۰۰	۶/۴۵	مدل ۲
-	-	-	تلفیقی	۰/۶۲	۰/۹۵	مدل ۳
-	-	-	تلفیقی	۰/۶۳	۰/۹۵	مدل ۴

در شکاف مالیاتی، منجر به افزایش یک درصدی از عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی که در دسترس پژوهشگر قرار ندارد، می‌شود. نتایج مدل ۳ در جدول ۱۲، با توجه به اینکه متغیر عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی دارای آماره $t(۴/۱۶)$ و سطح معناداری (۰/۰۰) می‌باشد بنابراین رابطه مثبت و معناداری بین عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام وجود دارد. بنابراین مدل ۳، از نظر آماری پذیرفته می‌شود. ضریب عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی (۰/۰۶) است که نشان می‌دهد اگر عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی یک درصد افزایش یابد، هزینه حقوق صاحبان سهام ۰/۰۶ درصد افزایش می‌یابد.

بر اساس روش رگرسیون بارون و کنی (۱۹۸۶) جهت آزمون فرضیه این پژوهش (مدل ۴) (عوامل ناشناخته حاکمیت شرکتی بر رابطه بین شکاف مالیاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام نقش واسطه‌ای دارد)، شرایط زیر باید حاکم باشد:

۶-۲-۲- نتایج آزمون مدل

نتایج مدل ۱ در جدول ۱۲، نشان می‌دهد با توجه به اینکه متغیر TA (شکاف مالیاتی) دارای آماره $t(۴/۰۹)$ و سطح معناداری (۰/۰۰) می‌باشد بنابراین رابطه مثبت و معناداری بین شکاف مالیاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام وجود دارد. بنابراین مدل ۱، از نظر آماری پذیرفته می‌شود. ضریب متغیر مستقل شکاف مالیاتی (۰/۰۵) است که نشان می‌دهد اگر شکاف مالیاتی یک درصد افزایش یابد، هزینه حقوق صاحبان سهام، ۰/۰۵ درصد افزایش خواهد یافت.

نتایج مدل ۲ در جدول ۱۲، نشان می‌دهد که با توجه به اینکه متغیر TA (شکاف مالیاتی) دارای آماره $t(۷/۱۷۰/۲۳)$ و سطح معناداری (۰/۰۰) می‌باشد بنابراین رابطه مثبت و معناداری بین شکاف مالیاتی و عوامل ناشناخته حاکمیت شرکتی وجود دارد. بنابراین مدل ۲، از نظر آماری پذیرفته می‌شود. ضریب متغیر شکاف مالیاتی (۱/۰۰) است که نشان می‌دهد یک درصد افزایش

مدل چهارم معنی دار نباشد، متغیر عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی نقش واسطه‌ای کامل خواهند داشت، یعنی متغیر شکاف مالیاتی تنها به واسطه عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی می‌تواند هزینه حقوق صاحبان سهام را برآورد کند. از آنجایی که نتایج در جدول ۱۲، نشان می‌دهد که رابطه شکاف مالیاتی بر هزینه حقوق صاحبان سهام در مدل چهارم با توجه به متغیر واسطه‌ای عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی دارای آماره $t(4/0.8)$ و سطوح معناداری (۰/۰۰) است، معنادار می‌باشد، که کمتر از معنادار بودن این متغیر در رگرسیون اول می‌باشد. در رگرسیون اول به این نتیجه دست یافتیم که اگر شکاف مالیاتی یک درصد افزایش یابد، هزینه حقوق صاحبان سهام، ۰/۰۵ درصد افزایش خواهد یافت. حال آنکه در رگرسیون چهارم به این نتیجه دست یافتیم که اگر شکاف مالیاتی یک درصد افزایش یابد، هزینه حقوق صاحبان سهام، ۰/۰۴ درصد افزایش خواهد یافت. بنابراین عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی نقش واسطه‌ای نسبی در رابطه بین شکاف مالیاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام دارد.

شکاف مالیاتی (متغیر مستقل) در مدل اول باید رابطه معناداری با هزینه حقوق صاحبان سهام (متغیر وابسته) داشته باشد. (۲) شکاف مالیاتی (متغیر مستقل) در مدل دوم باید رابطه معناداری با عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی (متغیر واسطه‌ای) داشته باشد. (۳) عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی (متغیرهای واسطه‌ای) در مدل سوم باید رابطه معناداری با هزینه حقوق صاحبان سهام (متغیر وابسته) داشته باشند. نتایج جدول ۱۲، حاکی از برقراری سه شرط فوق است. نقش واسطه‌ای می‌تواند به دو صورت کامل یا نسبی باشد. اگر رابطه بین متغیر شکاف مالیاتی (متغیر مستقل) بر متغیر هزینه حقوق صاحبان سهام (متغیر وابسته) در مدل چهارم نسبت به مدل اول کمتر باشد، متغیر عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی نقش واسطه‌ای نسبی خواهند داشت. یعنی هم متغیر شکاف مالیاتی و همچنین متغیر عوامل ناشناخته تعارضات مالیاتی می‌توانند هزینه حقوق صاحبان سهام (متغیر وابسته) را برآورد کنند. اگر رابطه متغیر شکاف مالیاتی (متغیر مستقل) بر متغیر هزینه حقوق صاحبان سهام در

جدول ۱۲. نتایج آزمون مدل

سطح معناداری	آماره t	انحراف معیار	ضریب	متغیر مستقل، واسطه و کنترلی	متغیر وابسته	مدل	
۰/۰۰	۴/۰۹	۰/۰۱	۰/۰۵	TA	CEC	۱	ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۶۰ دوربین واتسون: ۱/۵۹ آماره F: ۳۱۸/۷۶ احتمال آماره F: ۰/۰۰
۰/۰۰	۶/۶۰	۰/۰۲	۰/۱۷	Lev			
۰/۰۰	-۴/۷۵	۰/۰۰۳	-۰/۰۱	Size			
۰/۰۰	۷/۳۱	۰/۰۱	۰/۰۷	Sale			
۰/۰۰	۳۲/۲۱	۰/۰۴	۱/۴۷	ROA			
۰/۰۵	۱/۹۱	۰/۰۴	۰/۰۸	C			
۰/۰۰	۷۱۷۰/۲۳	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰	TA	UnTCON	۲	ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۷۹ دوربین واتسون: ۱/۵۷ آماره F: ۸۴۸۸/۸۶ احتمال آماره F: ۰/۰۰
۰/۹۶	-۰/۰۴	۰/۰۰۰۴	۰۵E-۱/۹۵	Lev			
۰/۰۹	-۱/۶۸	۰۵E-۷/۸۴	-۰/۰۰۰۱	Size			
۰/۰۰	-۶/۵۶	۰۵E-۹/۳۲	-۰/۰۰۰۶	Sale			
۰/۹۵	-۰/۰۵	۰/۰۰۰۵	۰۵E-۲/۸۹	ROA			
۰/۰۰	-۲۰۳/۲۵	۰/۰۰۱	-۰/۲۵	C			
۰/۰۰	۴/۱۶	۰/۰۱	۰/۰۶	Un Tcon	CEC	۳	ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۶۰ دوربین واتسون: ۱/۵۸ آماره F: ۳۲۰/۰۷ احتمال آماره F: ۰/۰۰
۰/۰۰	۶/۶۴	۰/۰۲	۰/۱۷	Lev			
۰/۰۰	-۴/۷۵	۰/۰۰۳	-۰/۰۱	Size			
۰/۰۰	۷/۳۰	۰/۰۱	۰/۰۷	Sale			
۰/۰۰	۳۲/۱۷	۰/۰۴	۱/۴۷	ROA			
۰/۰۲	۲/۲۳	۰/۰۴	۰/۱۰	C			
۰/۰۰	۴/۰۸	۰/۰۱	۰/۰۴	TA	CEC	۴	ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۵۸ دوربین واتسون: ۱/۶۲ آماره F: ۲۴۱/۹۸ احتمال آماره F: ۰/۰۰
۰/۰۰	۳/۹۷	۰/۴۹	۱/۹۸	Un TCON			
۰/۰۰	۷/۲۴	۰/۰۲	۰/۱۹	Lev			
۰/۰۰	-۴/۶۶	۰/۰۰۳	-۰/۰۱	Size			
۰/۰۰	۷/۳۳	۰/۰۱	۰/۰۷	Sale			
۰/۰۰	۳۰/۷۴	۰/۰۴	۱/۴۷	ROA			
۰/۰۰	۴/۷۰	۰/۱۲	۰/۵۸	C			

۱۰- بحث و نتیجه گیری

شکاف مالیاتی همچنین می‌تواند با تاثیر غیر مستقیم بر روی جریان نقدی مورد انتظار آینده شرکت، سبب کاهش هزینه سرمایه شود. ذخیره کردن وجه نقد، بیشترین منفعت حاصل از برنامه‌ریزی‌های مالیاتی است. جریان نقد ذخیره شده در نتیجه شکاف مالیاتی می‌تواند به عنوان جریان نقدی تلقی شود که به جای پرداخت به ماموران مالیاتی برای خود شرکت ضبط و استفاده می‌شود. هر ریال ذخیره شده به واسطه پرداخت کمتر مالیات، می‌تواند در شرکت برای مصارف مولد دیگر به کار گرفته شود. بنابراین به افزایش جریان نقد مورد انتظار و کاهش هزینه سرمایه شرکت منجر می‌شود (آدلا و همکاران، ۲۰۲۳). به عبارت دیگر، وجوه حاصل از ایجاد شکاف مالیاتی می‌تواند در تولید یا سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار گیرد، که این امر موجب افزایش جریان نقدی مورد انتظار و کاهش هزینه سرمایه می‌شود. اگر سرمایه‌گذاران ایجاد شکاف مالیاتی را به عنوان فعالیت‌های خطر جویی که ارزش فعلی خالص مثبت دارد، تشخیص دهند آنگاه می‌توانند باعث افزایش جریان نقد مورد انتظار آتی شود و از این جهت هزینه سرمایه کاهش می‌یابد (یانگ و همکاران، ۲۰۲۰).

با توجه به نتیجه یافت شده از فرضیه چهارم پژوهش که حاکی از وجود نقش واسطه‌ای نسبی عوامل ناشناخته ناشی از تعارضات مالیاتی بر رابطه بین شکاف مالیاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام می‌باشد می‌توان گفت تعارضات مالیاتی و شکاف مالیاتی هر دو بر آورد هزینه حقوق صاحبان سهام تاثیرگذار می‌باشند. به همین جهت پیشنهاد می‌شود همزمان با تلاش برای کاهش در شکاف مالیاتی از میزان تعارضات مالیاتی نیز با جمع‌آوری و درست اطلاعات مالی مودیان بکاهیم تا بدین ترتیب شاهد کاهش در هزینه حقوق صاحبان سهام باشیم. با توجه به اینکه در بین اطلاعات مختلف نیز اطلاعات مالی مهمترین نقش را دارند. در یک مقطعی خوشبختانه تلاش‌های سازمان امور مالیاتی برای دسترسی به اطلاعات مودیان جواب می‌دهد و اطلاعات بانکی به عنوان پایه‌ترین و اساسی‌ترین اطلاعات مودیان در اختیار سازمان قرار می‌گیرد. در دنیا نیز تمام تمرکز بر روی اطلاعات مالی است که تصویر مجازی هر چیزی است که در واقعیت اتفاق می‌افتد. اما امروز مشکل نظام مالیاتی ما این است که سازوکار مناسبی برای استفاده از این اطلاعات ندارد و باید برنامه‌ریزی‌ها و توسعه سامانه‌ها بر اساس استفاده بهینه از این اطلاعات انجام بگیرد. اما این اولویت بندی امروز وجود ندارد و تمرکز بر اطلاعات مالی در دستورکار قرار نگرفته است. که پیشنهاد می‌شود اقدامات لازم را در جهت رفع مشکل اجرای سامانه مودیان مبذول داشت تا با ایجاد شفافیت اطلاعاتی بیشتر

در جامعه، شاهد عدالت مالیاتی در جامعه بوده و موجبات کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام را فراهم آوریم. یکی از مهمترین مشکلات در بحث فرار مالیاتی ورود این ذی نفعان به عرصه قانونگذاری برای بخش مالیات کشور است. فرار مالیاتی بزرگ کشور با تصویب قوانینی همچون معافیت‌های مالیاتی گسترده مناطق آزاد انجام می‌شود که درپوشی برای اقدامات نهادهایی همچون بانک‌ها می‌شود. سامانه مودیان نیز نمیتواند به تنهایی مشکلات فعلی فرار مالیاتی را در نظام مالیاتی کشور رفع کند. لذا پیشنهاد می‌شود قبل از آنکه به فکر رفع مشکلات اجرای سامانه مودیان باشیم راه حلی برای معافیت‌های مالیاتی گسترده بیندیشیم و عوامل اصلی فرار مالیاتی را شناسایی نموده و بیش از پیش به اطلاعات مالی آن‌ها دقیق شویم.

محدودیتی که در این پژوهش وجود دارد مربوط به تعداد سال‌های نمونه می‌باشد. با توجه به آنکه پژوهش پیش‌رو در سال ۱۴۰۰ انجام گردید محقق با محدودیت در جمع‌آوری دیتا روبرو بوده است. لذا جهت رفع این محدودیت دوره نمونه پژوهش را در طول سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ در نظر گرفت. متغیری که موجب بوجود آمدن این متغیر گردید مالیات ابرازی و مالیات تشخیصی می‌باشد. مالیات شرکت‌ها پس از ارائه صورت‌های مالی و اظهارنامه مالیاتی (مالیات ابرازی) توسط سازمان امور مالیاتی رسیدگی شده و مالیات تشخیصی صادر می‌شود. با توجه به این- که فرآیند فوق یک تا دو سال بعد از ارائه صورت‌های مالی طول می‌کشد؛ از این رو داده‌های مالیات تشخیصی سال ۹۹ هیچ‌یک از شرکت‌ها و مالیات تشخیصی سال ۹۸ برخی از شرکت‌ها در صورت‌های مالی سال ۹۹ آن‌ها موجود نمی‌باشد.

پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی، به بررسی جایگاه عوامل انسانی و سامانه‌ها در فرار مالیاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام پرداخته شود. چرا که امروزه اجرای سامانه مودیان با مشکلاتی مواجه است و از طرفی عوامل و پرسنل سازمان امور مالیاتی خود یکی از عوامل اصلی فرار مالیاتی هستند و این مشکل با ایجاد سامانه‌ها به طور کامل رفع نمی‌شود. پیشنهاد می‌شود جهت آشنایی بیشتر در ارتباط با چالش‌ها و مزیت‌های اجرایی شدن سامانه مودیان، تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام شود.

منابع

اخترشناس، داریوش؛ احمدی‌پاک، فرشته؛ بهشورف اسحاق (۱۴۰۱). تاثیر اختلاف سود حسابداری با درآمد مشمول مالیات بر کیفیت حسابرسی با تاکید بر نقش کیفیت سود. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال یازدهم، شماره ۴۱، بهار.

- Jianfa Yang, Guilong Cai, Guojian Zheng, Qiankun Gu (2022). Firm internationalization and cost of equity: Evidence from China. *China Journal of Accounting Research* 15 (2022)100237.
- Junyi xXiang, Hongxiang zhang, Dingyu Dang, Jing Guan (2023). Involuntary political connections and private firms' tax avoidance. *Pacific-Basin Finance Journal*. Available online 8 April 2023, 102025.
- Liu, W. and Tian, G.G. (2021). Controlling shareholder share pledging and the cost of equity capital: Evidence from China. *The British Accounting Review*, <https://doi.org/10.1016/j.bar.2021.101057>
- Pickhardt, M., Prinz, A. (2014). Behavioral dynamics of tax evasion- a survey. *Journal of Economic Psychology*, 40, 1-19.
- Seyed Shojae Aldin Mirahmadi, Mojtaba Maleki Chubari, Sina Kheradyar (2023). Specifying the mediating role of unknown factors of corporate governance caused by the tax gap on the relationship between the tax gap and the cost of equity. *Int. J. Nonlinear Anal. Appl.* In Press, 1-12.
- Tsung, Y.H., Shiu, Y.M., Chang, A. (2019). Does institutional ownership affect the relationship between accounting quality and cost of capital? A panel smooth transition regression approach. *Asia Pacific Management Review*, 24, 327-334.
- پورحیدری، امید؛ فدوی، محمدحسین؛ امینی‌نیا، میثم (۱۳۹۳). بررسی تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ۱۴ (۵۲)، ۶۹-۸۵
- دیدار، حمزه؛ منصورفر، غلامرضا؛ کفعمی، مهدی. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره بیست و یکم، شماره ۴، صص ۴۰۹-۴۳۰.
- مولایی ایل ذوله، علی؛ جعفری، محبوبه؛ نورالله‌زاده، نوروز؛ دارایی، رویا (۱۴۰۲). مدلی برای شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر گزارشگری متهورانه مالیاتی با استفاده از روش تحلیل مولفه‌های اصلی، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، پیاپی ۴۸، صص ۲۳۱-۲۴۸.
- مهاجری، پریسا؛ سبحانیان، سیدمحمد هادی. (۱۳۹۶). برآورد شکاف سیاستی و شکاف تمکین در نظام مالیات بر ارزش افزوده ایران و ضرورت استخراج چارچوب منطقی برای اعطای معافیت‌ها. پژوهشنامه مالیات، شماره سی و ششم، زمستان، صص ۱۴۹-۱۷۶.
- میرزایی، ابراهیم؛ فرساد امان‌الهی، غلامرضا (۱۴۰۲). شناسایی عوامل موثر بر حاکمیت مطلوب مالیاتی در ایران. فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، پیاپی ۴۴، صص ۲۹۷-۳۰۸.
- یاراحمدی، حسین؛ طاهری‌نیا، مسعود؛ گیوکی، ابراهیم؛ طالب‌نیا، قدرت‌اله (۱۴۰۰). دلایل شکاف بین درآمد مشمول مالیات ابرازی و درآمد مشمول مالیات تشخیصی شرکت‌های غیرتولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش سرمایه‌گذاری، دوره ۱۰، شماره ۴۰، صص ۷۲-۱۰۷.
- Alharbi, S., Atawnah, N., Al Mamun, M., et al., (2020). Local culture and tax avoidance: evidence from gambling preference behavior. *Glob. Financ. J.* 100585.
- . An examination of)2017(Austin, C.R., Wilson, R.J., reputational costs and tax avoidance: evidence from firms with valuable consumer brands. *J. Am. Taxation Assoc.* 39 (1), 67-93.
- Ghoul, S., Fu, Z., Guedhami, O and Samir Saadi, S. (2023). Firm inflexibility and the implied cost of equity. *Finance Research Letters*, 52, <https://doi.org/10.1016/j.frl.2022.103539>



Accounting Knowledge & Management Auditing
Vol. 14/ No. 55/ Autumn 2024

Explaining the mediating role of unknown factors of tax conflicts on the relationship between the tax gap and the cost of equity

Seyed Shojae Aldin Mirahmadi

Department of Accounting, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran
Mirahmadi.acc@gmail.com

Mojtaba Maleki Chubari

Department of Accounting, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran
(Corresponding Author)
malekichubari@liau.ac.ir

Sina Kheradyar

Department of Accounting, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran
Kheradyar@iaurasht.ac.ir

Abstract

Paying attention to the role of tax in the economy and the existence of a tax gap, which is derived from non-compliance with professional ethics, as a counter value, can be a serious threat to the tax culture and reduce the desire of companies to increase equity due to the increase in its costs, and ultimately intensify the downward trend of investment in the country. In this research, the role of the unknown factors of tax conflicts on the tax gap and the cost of equity in 149 companies admitted to the Tehran Stock Exchange, which were selected as the statistical sample companies of the research in the seven-year period from the beginning of 2012 to the end of 2018, has been discussed in this research. In this research, a researcher-made questionnaire with open-ended questions was used to screen the components of the tax gap model caused by tax conflicts. In this questionnaire, experts responded to 22 experts from auditors and high-ranking officials in tax affairs on the importance of each of the identified components, based on a 5-point Likert scale. In order to test the hypotheses of the research, Eviews software was used, and in particular, the regression method of Baron and Kenny (1986) was used to test the hypothesis. The results of the research showed that the unknown factors of tax conflicts play a mediating role on the relationship between the tax gap and the cost of equity.

Keywords: Tax gap, tax conflicts, unknown factors of tax conflicts, cost of equity

